

تقریر درس خارج فقه فرهنگ آیت الله اراکی دامت برکاته

مقرر	حجت الاسلام محمدعلی زحمت کش	جلسه	۱۲	تاریخ	۱۴۰۰/۱۰/۰۹
عنوان ۱	فقه فرهنگ کلان				
عنوان ۲	فصل اول: فقه فرهنگ کلان حاکمیت				
عنوان ۳	بخش اول: فقه فرهنگ کلان باورهای حاکمیت				
عنوان ۴	اصل هشتم: اقامه عدل و یا حفظ فرصت عدل در جامعه اصل نهم: سنت استبدال				

در فقه فرهنگ درباره اصول باورهای حاکمیتی بحث می‌کردیم و گفتیم اصل هفتم، این است که اصل در جهان، اصلاح زمین است و اینکه فساد عارضی است که به دست بشر به وجود می‌آید. بحث امروز در اصل هشتم است.

اصل هشتم: اقامه عدل و یا حفظ فرصت عدل در جامعه

اصل هشتم از اصول حاکم بر فرهنگ باورهای حاکمیتی این است که اولاً هیچ امامی بدون پیرو نیست؛ هر جا امام وجود دارد، مأموم نیز وجود دارد؛ لذا در روایات ما این مضمون آمده که «لَوْ لَمْ يَبْقَ فِي الْأَرْضِ إِلَّا اثْنَانِ لَكَانَ أَحَدُهُمَا الْحُجَّةَ»؛ در روایات اهل سنت نیز این مضمون آمده که «لَا يَزَالُ هَذَا الْأَمْرُ فِي قُرَيْشٍ مَا بَقِيَ مِنَ النَّاسِ اثْنَانِ»^۱ و بخاری این روایت را تحریف کرده و «ما بقى منهم» نقل کرده است، اما در منابع دیگر اهل سنت به همین شکل آمده است. اینکه می‌فرماید دو نفر به این علت است که یکی امام است و دیگری مأموم؛ لذا همیشه امام و مأموم وجود دارد ولو اینکه مأمومین کم باشند؛ ولو اینکه این امت مختصر در یکی دو نفر باشد؛ همانطوری که در روایات داریم که بعد از رسول خدا ﷺ تعداد محدودی بر سر عهد با ایشان ماندند.

این امام و امت، دو مأموریت اصلی دارند؛ یک مأموریت نگه‌داری فرصت عدل است و مأموریت دیگر، برقراری عدل است. نگه‌داری فرصت عدل برای این است که زمینه‌ای برای برقراری عدل فراهم شود. مأموریت اصلی، برقراری عدل است؛ و حفظ فرصت عدل برای رسیدن به برقراری عدل است.

۱. کافی؛ ج ۱، ص ۱۷۹.

۲. عمدة عیون صحاح الأخبار فی مناقب إمام الأبرار؛ ص ۴۱۷.

این فرصت عدل، به این معناست که این امتی که دور امام است، باید زمینه برقراری عدل به رهبری امام را فراهم کند؛ اگر امتی توانست این کار را انجام دهد، قیام عدل صورت می‌گیرد و اگر امتی نتوانست چنین کاری بکند و یا نکرد، این امت، تبدیل به امت دیگر می‌شود. وظیفه امت‌هایی که همراه انبیا (بی که امام هستند)، اقامه عدل است و قبل از اقامه عدل، مأمور به ابقای فرصت عدل هستند.

در زمان امام ائمه اطهار علیهم‌السلام، انقلاب‌هایی که به وسیله علویون انجام می‌گرفت که بسیاری از آنها مورد تأیید امام بود؛ مثلاً قیام زید بن علی؛ قیام حسین بن علی صاحب فخ؛ و یا قیام تواین و یا حتی قیام مختار ظاهراً؛ به شکلی مورد تأیید امام بوده است؛ این تأییدی که از سوی ائمه اطهار نسبت به قیام‌های علیه حکومت‌های جائز انجام می‌گرفت، مصداق حفظ فرصت عدل است.

یکی از روش‌های حفظ فرصت عدل در جامعه اسلامی، پشتیبانی از جریان‌های انقلابی و ضد جوری بوده است که در جامعه اسلامی وجود داشته است. حضرت در روایت می‌فرماید:

«وَلَوْ دِدْتُ أَنَّ الْخَارِجِيَّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ خَرَجَ وَعَلِيٌّ نَفَقَةٌ عِيَالِهِ»؛

اینقدر حضرت تأکید داشته به قیام در برابر ظلم که می‌فرماید من دوست دارم نفقه اهل و عیال کسی که بر علیه نظام جائز قیام می‌کند را بر عهده بگیرم تا آنها بر علیه حکومت جائز قیام کنند. این تشویق بر قیام علیه حکومت‌های جائز، حفظ فرصت عدل است و یکی از نکات این قیام‌ها این بوده که برخی از ائمه، اصحاب خاص خویش را از شرکت در این قیام‌ها منع می‌نمودند و به آنها می‌فرمودند که بگذارید عامه مردم در این قیام‌ها شرکت کنند؛ این خود نشان دهنده این است که این قیام‌ها برای حفظ فرصت عدل بوده است؛ زیرا اصحاب و خواص کم بودند و نباید از دست می‌رفتند. این روحیه ظلم ستیزی و قیام بر علیه حاکم جائز باید در کل بدنه جامعه اسلامی منتشر می‌شد؛ و الا اگر بنا بود خواص اصحاب حضرت قیام کنند، حادثه کربلا تکرار می‌شد و هیچ اتفاقی نیز نمی‌افتاد.

بنابراین وظیفه ما همواره برقراری عدل است و اگر قادر بر آن نبودیم، مأموریم که فرصت عدل را حفظ کنیم. حفظ فرصت عدل، به معنای حفظ روحیه مقاومت علیه حاکمان جور است؛ این روحیه باید بین مردم بماند؛ یا از طریق قیام بر آنها یا از طریق ترویج مخالفت با آنها و یا از طریق تحریم معاونت و کمک بر آنها که در آن روایت آمده که هر کسی هر کمکی به سلاطین جور کند، دواتی برای آنها محیا کند، قلمی برایشان بترشد، با آنها در جهنم خواهد بود. این روایات متعدد و متواتر مربوط به حرمت تعاون و اعانه حکام جور، به معنای تحریم دستگاه‌های جور و تأکید بر نامشروع بودن حکومت آنها، در راستای حفظ فرصت عدل در جامعه اسلامی بوده است. این کار، کار بسیار مهمی بوده است که ائمه اطهار نگذاشتند در میان مردم جا بیافتد که این خلفای جور، نمایندگان اسلامند؛ چیزی که در مسیحیت و یهودیت اتفاق افتاد و حاکمان جور، سخنگویان مسیحیت و یهودیت شدند و دین را به نفع خود تحریف کرده و چیزی از دین باقی نماند؛ اما این اتفاق به برکت ائمه اطهار علیهم‌السلام و قانون حفظ فرصت عدل، در جامعه اسلامی اتفاق نیافتاد.

اصل نهم: سنت استبدال

اصل نهم، در ادامه اصل هشتم است که سنت استبدال است. در اصل هشتم گفتیم که تمام امم انبیا [یی که امام بودند] وظیفه برقراری حکومت عدل داشتند و اگر وظیفه داشتند که فرصت عدل را زنده نگه دارند برای این بوده است که آن حکومت عدل را برقرار سازند. حال اگر امتی که با امام هستند، از یاری امام اعراض کردند و دست از یاری امام کشیدند و امام را از برقراری عدل بالفعل ناتوان کردند؛ خداوند در این رابطه می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ﴾^۱؛

ای کسانی که ایمان آورده اید! هر کس از شما، از آیین خود بازگردد، (به خدا زبانی نمی رساند)؛ خداوند جمعیتی را می آورد که آنها را دوست دارد و آنان (نیز) او را دوست دارند،

و همچنین می فرماید:

﴿وَإِنْ تَوَلَّوْا يَسْتَبَدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ﴾^۲؛

و هرگاه سرپیچی کنید، خداوند گروه دیگری را جای شما می آورد پس آنها مانند شما نخواهند بود.

و نیز می فرماید:

﴿الَّذِينَ يَدْعُونَكَ إِلَى عَذَابِ الْإِيمَانِ وَيَسْتَبَدِلْنَ قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا تَضُرُّهُ سَيْنَأُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾^۳؛

اگر (به سوی میدان جهاد) حرکت نکنید، شما را مجازات دردناکی می کند، و گروه دیگری غیر از شما را به جای شما قرار می دهد؛ و هیچ زبانی به او نمی رسانید؛ و خداوند بر هر چیزی تواناست.

این مسأله استبدال که در قرآن کریم مرتباً به آن اشاره شده، سنت مهمی است؛ اگر امتی که همراه امام هستند، از یاری او دست بکشند، خداوند متعال آن امت را به تدریج را کنار گذاشته و امت دیگری جایگزین آنها می کند که مسئول برقراری عدل شوند و قانون حفظ فرصت عدل، برای پیدایش چنین امت جایگزینی است که بتواند عدل را برقرار کند؛ مثلاً بنی اسرائیل مأمور بودند که با حضرت موسی علیه السلام عدل برقرار کنند و حضرت موسی از آنها درخواست کرد که به کمک او در برقراری عدل بروند اما آنها سرپیچی کردند:

﴿وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ... * يَا قَوْمِ ادْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ الَّتِي كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَرْتَدُّوا عَلَى أَدْبَارِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ * قَالُوا يَا مُوسَى إِن فِيهَا قَوْمًا جَبَّارِينَ وَإِنَّا لَن نَدْخُلُهَا حَتَّى يَخْرُجُوا مِنْهَا فَإِن يَخْرُجُوا مِنْهَا فَإِنَّا دَاخِلُونَ * ... قَالُوا يَا مُوسَى إِنَّا لَن نَدْخُلُهَا أَبَدًا مَا دَامُوا فِيهَا فَادْهَبْ أَنْتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلْ إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ﴾^۴؛

(به یاد آورید) هنگامی را که موسی به قوم خود گفت: ... * ای قوم! به سرزمین مقدسی که خداوند برای شما مقرر داشته، وارد شوید! و به پشت سر خود بازنگردید (و عقب گرد نکنید) که زیانکار خواهید بود! * گفتند:

۱. سوره مائده: ۵۴.

۲. سوره محمد: ۳۸.

۳. سوره توبه: ۳۹.

۴. سوره مانده: ۲۰ - ۲۴.

«ای موسی! در آن (سرزمین)، جمعیتی (نیرومند و) ستمگرند؛ و ما هرگز وارد آن نمی شویم تا آنها از آن خارج شوند؛ اگر آنها از آن خارج شوند، ما وارد خواهیم شد!» * ... (بنی اسرائیل) گفتند: «ای موسی! تا آنها در آنجا هستند، ما هرگز وارد نخواهیم شد! تو و پروردگارت بروید و (با آنان) بجنگید، ما همینجا نشستیم!»

و همچنین خداوند در رابطه با بنی اسرائیل در آیه دیگری چنین می فرماید:

﴿خَلَفَ مِنْ بَدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غِيًّا﴾؛

اما پس از آنان، فرزندان ناشایسته ای روی کار آمدند که نماز را تباه کردند، و از شهوات پیروی نمودند؛ و بزودی (مجازات) گمراهی خود را خواهند دید.

و نیز می فرماید:

﴿وَصُرِّبَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلِيلَةُ وَالْمَسْكِنَةُ وَبَأُوْهُمْ بَعْضٌ مِّنَ اللَّهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ الْحَقِّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ﴾^۲؛

و (مهر) ذلت و نیاز، بر پیشانی آنها زده شد؛ و باز گرفتار خشم خدائی شدند؛ چرا که آنان نسبت به آیات الهی، کفر می ورزیدند؛ و پیامبران را به ناحق می کشتند. اینها به خاطر آن بود که گناهکار و متجاوز بودند.

لذا چون بنی اسرائیل منحرف شدند، خداوند قانون استبدال را بر آنان جاری ساخت و به جای بنی اسرائیل، قوم رسول اکرم صلی الله علیه و آله جایگزین شدند که همین قوم عربی بودند که در حجاز حضور داشتند که به اینها نیز مأموریت برقراری عدل در جهان داده شد؛ اما متأسفانه این قوم نیز به تدریج از یاری رسول اکرم صلی الله علیه و آله دست کشیدند و اوج این دست کشیدن از یاری رسول اکرم صلی الله علیه و آله در واقعه عاشورا اتفاق افتاد. عاشورا یکی از مهم ترین نمادهای این اوج دست کشیدن از یاری رسول خدا صلی الله علیه و آله و تنها گذاشتن ایشان بوده است و همان که در قرآن کریم از آن به ارتداد تعبیر شده؛ لکن نه ارتداد از اسلام؛ بلکه ارتداد از ایمانی که همراه با نصرت و اطاعت رسول باشد.

همانطوری که خداوند درباره امت رسول چنین می فرماید: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ»^۳؛ در رابطه با بنی اسرائیل نیز همین تعبیر را داشته و آنها را خیر امت معرفی کرده بود:

﴿وَلَقَدْ اخْتَرْنَا هَمَّ عَلَىٰ عِلْمٍ عَلَىٰ الْعَالَمِينَ﴾^۴؛

ما آنها را با علم (خویش) بر جهانیان برگزیدیم و برتری دادیم،

بنی اسرائیل نیز در زمان خودشان خیر امت بودند؛ اما این خیر امت، از نصرت رسول دست کشید؛ تا آنجایی که

حضرت موسی علیه السلام به آنها چنین می فرماید:

۱. سوره مریم: ۵۹.

۲. سوره بقره: ۶۱.

۳. شما بهترین امتی بودید که به سود انسانها آفریده شده اند؛ (چه اینکه) امر به معروف و نهی از منکر می کنید و به خدا ایمان دارید؛ سوره آل عمران: ۱۱۰.

۴. سوره دخان: ۳۲.

در «زبور» بعد از ذکر (تورات) نوشتیم: «بندگان شایسته ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد!»

این امت امتی است که سرانجام هدف اصلی رسالت انبیا به دست این امت برقرار خواهد شد و این امت تا آخر دست از نصرت امام بر نمی دارند؛ لذا سنت استبدال بر آنها جاری نخواهد شد.

و صلّی الله علی محمد و آله الطّاهرین